



اهمیت تبلیغ و جایگاه آن در فرهنگ دینی

پدیدآورده (ها) : شرفی، حسین

علوم اجتماعی :: پژوهش های اجتماعی اسلامی :: پاییز 1375 - شماره 6

از 199 تا 213

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/19917>

دانلود شده توسط : مرکز مدیریت حوزه های علمیه-کتابخانه ایت الله بروجردی

تاریخ دانلود : 25/12/1394

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

اهمیت تبلیغ و جایگاه آن در فرهنگ دینی

حسین شرفی

بخش اول



طلوع فجر از مغرب آغاز شد و در مشرق به پایستاد. میقات کوه طور سپری گشت و ایام بعثت قدم به دوره ثبات گذاشت. سرانجام، با رخداد‌های شگفت و گران، نوبت اقتدار حق گشت و نظام فرخنده جمهوری اسلامی پا گرفت.

اما در برابر، از همان آغاز، خصم با تهاجم تبلیغی هرچه گسترده و سهمناک، نبردی تمام عیار را پی گرفت و تاکنون نیز لجوجانه به پیش می‌تازد.

در این میان، حق باوران در موضع دفاعی به شیوه تبلیغ سستی بسنده کردند که اگر هم شایسته و بایسته انجام می‌گرفت، باز در رویارویی با حجم تبلیغی دشمن بسیار اندک بود. اکنون که نزدیک به دو دهه از چیرگی حق بر باطل می‌گذرد، ما در بعد تبلیغات، تحوّل و رشد محسوسی نداشته و به این امر حیاتی و اصولی توجّه اساسی نکرده‌ایم. از این رو، بردست‌اندرکاران و متصدیان تبلیغی است که با آگاهی از شرایط کنونی و به‌کارگیری سیاست‌های اصولی بر این مهم توجّه جدی داشته و برای سامان دادن به آن همت گمارند. یادآور می‌شود که مراد ما از تبلیغ، اعم از تبلیغ سستی، فعالیت‌های پراکنده سازمانی و آموزش‌های کلاسیک است که در قلمرو مسائل دینی جای می‌گیرد؛ یعنی مجموعه نظام

آینه



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

حسین شرفی

محمد رحمانی

□ اهمیت و جایگاه تبلیغ دینی

□ معرفی «القواعد الفقهیه»

□ اخبار

تبلیغی که به تبیین و توجیه فرهنگ و معارف دینی می‌پردازد و به آن ارتباط دارد. در این سلسله نوشتار، نگاهی داریم به اصول و مبانی تبلیغ دینی، همراه با بررسی وضع موجود و نقد برخی کاستیهای آن. اما پیش از آن، به اهمیت تبلیغ در عصر حاضر و جایگاه آن در اندیشه دینی اشاره‌ای می‌کنیم و در نوشتار بعد، مبحث اصلی را پی خواهیم گرفت.

دوران حاضر، به «عصر انفجار اطلاعات» شهرت یافته است و پر واضح است که در همهٔ صحنه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، حرف آخر را نظام تبلیغاتی می‌زند.

روزگار کنونی، عصر ارتباطات و پیام‌رسانی و دوران ماهواره‌هاست. اکنون بسیاری از شهروندان و حتی روستائینان، هزاران بار در معرض پیامهای وسائل ارتباطی هستند. در برخی جوامع، کمتر کسی را می‌توان یافت که قادر باشد خود تصمیم بگیرد و از افسون و وسوسهٔ ابزار تبلیغاتی که تفکرزا و فرهنگ‌ساز نیز هستند ایمن باشد. هرگز بشر به اندازهٔ امروز در تحیر و سرگردانی به‌سر نبرده، و انبوه امواج پیام‌دهی و اطلاع‌رسانی او را مبهوت نساخته است.

تبلیغات، اهرم سیاست، فرهنگ، تجارت، قدرت نظامی و... است. اکنون جنگ سرد بسیار مخرب‌تر و کارسازتر از نبردهای گرم به‌شمار می‌آید. سلاح تبلیغ است که رقیب را از میدان بیرون می‌کند، او را از پا درمی‌آورد و عرصه را بر خصم تنگ می‌سازد.

امروزه به پشتگرمی غولهای تبلیغی است که سخن از دهکدهٔ جهانی به‌میان آمده است، زیرا وسائل ارتباطی آن‌چنان گسترش یافته و توانا گشته است، که به اندرون خانه‌ها و خانواده‌ها و حتی زوایای جان آدمیان سرک کشیده است. دیگر هیچ حریمی محفوظ نمانده است. مرزها و حصارهای پیرامون کشورها از خاصیت افتاده است. دیوارهای چین و برلین - که روزگاری از عجایب هفت‌گانه به‌شمار می‌آمدند - زاید و بی‌مصرف گشته‌اند. تمهیدات فراوان سانسوری و بازدارنده، به ریشخند گرفته شده‌اند. روند روبه رشد ابزار تبلیغی آن‌چنان شتابان است که گاهی عمر مفید یک پدیدهٔ نوظهور در عرصهٔ ارتباطات به یک دهه نمی‌کشد که با به‌میدان آمدن پدیده‌ای شگفت‌تر، ذیل نشین می‌شود.

امروزه با چنین ابزار متنوع و توانمند ارتباطی و تبلیغی، هیچ حریم ملی، فرهنگی،

قومی و خانوادگی ناگشوده نمانده و نخواهد ماند.

هرگز در طول تاریخ آدمی، ابزار و شیوه‌های تبلیغی بویژه تبلیغات ضد ارزشی و شیطانی، این چنین رشد حیرت‌انگیزی نداشته و متأسفانه تبلیغات جبهه حق نیز به تناسب، تا این اندازه ناتوان و کم‌رونق نبوده است.

اولویت نخست، در دنیای امروز از آن تبلیغات است. اکنون تبلیغات بویژه در دیدگاه امپریالیسم، زیربنای سلطه جهانی و ستون فقرات نظام الحادی است، زیرا نظام سلطه از زمانی قدرت جهانی یافت که به آثار شگفت تبلیغات پی برد و تمام همّت خود را بر این قرارداد که به تأسیس و گسترش هزاران شبکه رادیو، تلویزیون و ابزار ارتباطی - تبلیغی اقدام کند و هرکجا که زمینه تبلیغی و یا وسیله ارتباطی بود، در تسلط و نفوذ بر آن کوشید و با طرح خرید و یا مشارکت و غیر آن، به آنها دست یافت.

از این روست که قدرتهای بزرگ، بودجه‌های کلان و اولویت را به تبلیغات اختصاص می‌دهند و سخاوتمندانه، میلیاردها دلار صرف هزینه‌های تبلیغی می‌کنند.

یکی از سردمداران پیشین آمریکا بر این باور بود که:

«یک دلار برای تبلیغات، بهتر از ده دلار برای تسلیحات است.»^(۱)

زیرا به گفته هیتلر:

«با گاز (سمی) صدها نفر مسموم می‌شوند، ولی با شایعه (تبلیغاتی) صدها

میلیون نفر را می‌توان مسموم کرد.»^(۲)

چنان که استعمار به راز شگفت و نقش بزرگ تبلیغات پی برده است، اهل حقیقت نیز باید بر اولویت و اهمیت آن اذعان کنند و در همه چیز و همه وقت، اصالت آن را از یاد نبرند. در تجربه تاریخی نیز بروشنی ثابت شده است که رونق و یا ضعف بسیاری از مکتبها، اندیشه‌ها و تمدنها، به نظام تبلیغی آنها بستگی داشته است؛ یعنی همواره توان تبلیغاتی بوده که حضور مکتبها را در معادلات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تعیین می‌کرده

۱. زورق، مبانی تبلیغ، ص ۱۷۵.

۲. به نقل از: قرآنی، قرآن و تبلیغ، ص ۱۷.

است. همواره اندیشه‌هایی جاودان مانده و یا رو به گسترش داشته‌اند که از داعیانی زبردست برخوردار بوده‌اند. رونق کنونی مذهبی و حضور اعتقاد به غیب نیز مدیون مبلغانی پرتلاش و نیک نفس در طول تاریخ است که بار سنگین پیام‌رسانی و آگاه‌نمودن مسلمانان را به دوش کشیده‌اند و آینده نیز از آن کسانی است که در این میدان پرتوان‌تر شرکت کنند.

گذشته از اهمیت اصولی تبلیغات، اکنون انقلاب اسلامی و جنبشهای آگاهانه ملت‌های مسلمان در محاصره سنگین تبلیغات جهانی است. تقریباً تمامی وسائل ارتباطی و مراکز تبلیغی به سبب ماهیت امپریالیستی و نفوذ نظام سلطه بر آنان بر ضد بیداری مسلمانان و گسترش تفکر ناب دینی تلاش می‌کنند. از این رو، ارگانهای تبلیغی و دست‌اندرکاران آن، باید با همتی صدچندان توانا تر از گذشته با رعایت اصول و مبانی درست تبلیغی از اسلام ناب دفاع کنند و در بیداری مسلمانان بکوشند و هیچ عذری را در این مهم روا ندانند. به فرموده امام خمینی علیه السلام:

«تبلیغات مسأله‌ای است پر اهمیت و حساس؛ یعنی دنیا با تبلیغات حرکت می‌کند. آن قدری که دشمنان ما از حربه تبلیغات استفاده می‌کنند، از طریق دیگری نمی‌کنند و ما باید به مسأله تبلیغات بسیار اهمیت دهیم و از همه چیزهایی که هست، بیشتر به آن توجه کنیم.»^(۱)

جایگاه تبلیغ در فرهنگ دینی

در دیدگاه دینی نیز تبلیغات، جایگاه اصولی دارد و زمینه‌ها و پیش‌بینی‌های تبلیغی در آن بسیار چشمگیر و جدی است، بویژه با این امتیاز که تبلیغات دینی برای احیاگری، آگاهی‌بخشی، هدایت، خیرخواهی و مصلحت بشری است، در حالی که تبلیغات نظام سلطه در خدمت سیاست‌های سلطه‌گر و منافع اقتصادی و نظامی آنان است. به دیگر سخن، تبلیغ در اسلام ادامه رسالت پیامبران است: دعوت به خیر، امر به معروف، موعظه حسنه،

۱. امام خمینی علیه السلام، صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۵۷.

ارشاد، هدایت، تعلیم حکمت، جدال احسن و خلاصه، دعوت به سوی خداست. جایگاه و اهمیت تبلیغات و آموزشهای دینی را می توان از دیدگاه معارف الهی در چند بخش پی گرفت و از ابعاد گوناگون مورد بحث قرار داد. در ادامه مقاله، به برخی از محورها اشاره می کنیم:

تبلیغ، رسالت اصلی پیامبران

پیامبران الهی، رسالت اصلی خود را رشد انسان با ابلاغ دین و تعلیم معارف الهی می دانسته اند و در این راه هرچه توان داشته اند، به کار برده اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«بُعِثْتُ دَاعِياً وَمَبْلُغاً...»^(۱)

من به عنوان دعوت کننده به خدا و مبلغ دین برانگیخته شده ام.

قرآن نیز برای این که معارف آن تبلیغ و تبیین شود، نازل شده است و این مهم، اصلترین وظیفه پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی گشته است:

«... وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»^(۲)

و بر تو قرآن را فرو فرستادیم تا آنچه را برای مردم نازل شده است، برای آنها بیان کنی، باشد که بیندیشند.

همان گونه که بر همه انبیای پیشین «کتاب» نازل شد، تا احکام الهی را بازگویند و معارف دینی را تبیین کنند، بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز «قرآن» نازل شد، تا به تشریح مفاهیم و تعالیم آن همت گمارد و افکار مردم را بیدار سازد. از این رو، پیامبر همه تلاش خود را برای ابلاغ دین به کار برد و با پشت سرگذاشتن دورانی سخت و تحمل دشواریهای بسیار و نبردهای سنگین، موانع تبلیغ را از سر راه برداشت و رسالت خطیر خود را به انجام رساند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله افزون بر این که خود همواره در کار تبلیغ بود، اهل بیت بزرگوار و

۱. محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج ۱، ص ۳۲۷.

۲. نحل / ۴۴.

اصحاب و یارانش نیز بدین مسؤولیت مشغول بودند، چنان‌که آن حضرت گروه تبلیغی تشکیل داد که گروهی از آشنایان به معارف اسلامی برای تبلیغ دین اعزام می‌شدند؛ افرادی مانند: حضرت علی علیه السلام، مصعب بن عمیر، معاذ بن جبل، عبدالله بن رواحه و دیگران که به‌عنوان «دعاة» به سفرهای تبلیغی می‌رفتند و در این‌راه حتی برخی از آنان به فیض شهادت نیز نائل شدند.^(۱)

قرآن کریم در موارد گوناگون، وظیفه پیامبران بویژه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را ابلاغ رسالت‌های الهی و تبلیغ دین می‌شمارد:

«و ما علی الرسول الا البلاغ المبین»^(۲)

و بر پیامبر، جز تبلیغ آشکار نیست.

«ما علی الرسول الا البلاغ...»^(۳)

بر پیامبر جز رساندن پیام، وظیفه‌ای نیست.

«فاعلموا انما علی رسولنا البلاغ المبین»^(۴)

بدانید که وظیفه پیامبر ما رسانیدن پیام روشن است.

حضرت نوح، هود، شعیب، صالح و... نیز وظیفه ابلاغ داشتند:

«أبْلَغْكُمْ رسالات ربی...»^(۵)

پیامهای پروردگارم را به شما می‌رسانم.

از قراین دیگری که نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه تبلیغ در فرهنگ دینی است، قلمرو تبلیغی است که پیامبران الهی و وظیفه دارند در آن قلمرو گام بردارند. قلمرو این رسالت از خود پیامبر آغاز شده، سپس خانواده، نزدیکان، هم‌نژادان و تمامی بشر را در بر می‌گیرد. پیامبر صلی الله علیه و آله نباید در انجام رسالت، از هیچ‌کسی چشم‌پوشی کند. وی از سوی خداوند

۱. برگرفته از سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۱۷۸.

۲. نور/ ۵۴، عنکبوت/ ۱۸.

۳. مانده/ ۹۹.

۴. مانده/ ۹۲.

۵. اعراف/ ۶۲، ۶۸، ۹۳.

مأمور است که پیام الهی را به گوش همه مردم، از هر رنگ و نژاد و نسبت و صنفی برساند و به گونه‌ای دعوت ربّانی را انجام دهد که مخاطبان به آن گرایش پیدا کنند و معتقد گردند؛ یعنی پیام حق را روشن، رسا و جذاب ابلاغ کند.

قرآن نخست به شخص پیامبر ﷺ خطاب می‌کند:

«یا ایها المدثر، قم فانذر ورتک فکبر و ثابک فطهر و الرجز فاهجر و لا تمنن تستکثر
و لربک فاصبر»^(۱)

ای جامه در سر کشیده بر خیز و بیم ده، پروردگارت را تکبیر گوی و جامه‌ات را پاکیزه دار، از پلیدی دوری گزین و چیزی مده که بیش از آن چشم داشته باشی. برای پروردگارت صابر باش.

در این آیات که جزء نخستین پیامهای آسمانی در آغاز رسالت است، نخست وظیفه خود پیامبر را روشن می‌سازد، که می‌فرماید: انذار کن، بدانچه سبب پروا می‌شود هشدار ده، خدای بزرگ را بزرگتر از آنچه پنداشته می‌شود بنمای، ظاهرت را نیز آراسته کن و لباست را پاکیزه ساز، از لغزشها و ناشایستگیها به دور باش، عطایا و خدمات خویش را زیاد مشمار و برای خدا بر همه چیز شکیبایی کن. این اوصاف و ویژگیهاست که سبب موفقیت می‌شود.

نیز به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که خویشاوندان و نزدیکان خود را هشدار ده و آنان را با پیام الهی هماهنگ ساز:

«وانذر عشیرتک الاقرین»^(۲)

خویشاوندان نزدیکت را بیم ده.

سپس وحی می‌رسد که خانواده، همسران خود و حتی ایمان‌آوردگان را پندده که خود را آراسته سازند و بدین وسیله زمینه‌های خشتی شدن تبلیغ خود را از میان بردار:

«یا ایها النبی قل لا زواجک و بناتک و نساء المؤمنین...»^(۳)

۱. مدثر/ ۱-۷.

۲. شعراء/ ۲۱۴.

۳. احزاب/ ۵۹.

ای پیامبر! به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو....

پس از آن دستور می‌رسد که هموطنان خود را انداز کن و دعوت الهی را در سطح منطقه و سرزمین محل سکونت خود گسترش ده؛ یعنی توجه به رسالت جهانی، تو را از پرداختن به خود و خویشاوندان و هموطنانت باز ندارد، اگر چه مسؤولیت هدایت و انداز همه بشر را نیز به عهده داری:

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا...»^(۱)

تو را به پیامبری نفرستادیم مگر بر همه مردم، مژده دهنده و بیم‌دهنده.

ارزش و مقام والای پیامبر ﷺ به سبب همین رسالت ابلاغ و دعوت به سوی خداست، هیچ عذری و مانعی نمی‌تواند رسول خدا را از این مهم باز دارد و خود او نیز باید رضای حق و مقام ارجمند را در میان مردم با اشتغال به امر هدایت و ارشاد آنان بجوید، چنان که در باره حضرت داود آمده است:

تنها روی به صحرا نهاد، خداوند به‌وی گفت: چرا تو را تنها می‌بینیم؟

عرض کرد: خدایا! بسیار مشتاق دیدار تو گشته‌ام، اما میان من و تو، مردم مانع هستند،

در میان مردم از تو دورم.

خداوند به وی فرمود:

«ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَإِنَّكَ إِذْ تَأْتِيهِمْ بَعْدَ أَهْلِ الْوَحْيِ فِي الْوَحْيِ حَمِيدًا»^(۲)

به‌سوی مردم برگرد، زیرا اگر بنده‌ای فراری را به‌سوی من برگردانی و متوجه

سازی، نامت را به شایستگی در لوح ثبت می‌کنم.

قرآن بر ضرورت مبلّغ و حضور هشدار دهنده به‌عنوان سنت و قانون الهی در میان

همه امتها تأکید می‌کند و تبلیغ و دعوت به‌سوی خدا را سنت جاری همه تاریخ می‌داند که

هیچ امت و قومی بدون بیم‌دهنده یافت نشده است:

«... وان من امة الا خلا فيها نذير»^(۱)

و هیچ ملتی نیست مگر آن که به میانشان بیم‌دهنده‌ای بوده است.

تبلیغ دین، برترین فریضه و عمل

در قرآن، دعوت مردم به سوی خدا و تبلیغ دین، از برترین اطاعتها شمرده شده است، زیرا ابلاغ معارف الهی که از روی اخلاص و به گونه‌ای صحیح انجام گیرد، کاری پیامبری است که با آن رسالت خداوند به انجام می‌رسد:

«ومن أحسن قولاً ممن دعا الى الله وعمل صالحاً...»^(۲)

چه کسی را سخن نیکوتر از سخن آن که به سوی خدا دعوت می‌کند و کارهای شایسته انجام می‌دهد.

نیکوترین سخن است، زیرا پیام الهی است و برترین عمل است، زیرا دعوت به سوی خداست.

مرحوم طبرسی در ذیل این آیه می‌نویسد:

«این آیه دلالت می‌کند که دعوت مردم به دین خدا از بهترین واجبات و بزرگترین

اطاعتهاست.»

پیامبر ﷺ نیز هنگامی که مبلغان را برای تبلیغ رهسپار می‌ساخت، اهمیت کار آنان و پاداش بسیار گرانقدر عملشان را گوشزد می‌کرد، چنان‌که به حضرت علی عليه السلام هنگام اعزام آن حضرت برای تبلیغ مردم یمن فرمود:

«يا علي!... و أيم الله لئن يهدي الله لئن يهدي الله علي يدك رجلاً خيراً لك مما طلعت عليه الشمس.»^(۳)

ای علی! به خدای سوگند اگر خداوند به وسیله تو فردی را هدایت کند، برای تو بهتر است از آنچه آفتاب بر آن می‌تابد.

۱. فاطر / ۲۴.

۲. فصلت / ۳۳.

۳. محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة، ج ۱، ص ۳۲۴.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

«معلم الخیر تستغفر له دواب الارض و حیطان البحر و کلّ صغیر و کبیر فی أرض اللّٰه و سماءیه»^(۱)

برای تعلیم دهنده خیر و خوبی، تمام جنبندگان زمین و ماهیان دریا و هر کوچک و بزرگ در زمین و آسمان خدا آموزش می خواهند.

کار مبلغ دین که در پرتو سخنان امامان معصوم علیهم السلام به مسلمانان دلگرمی می بخشد و به برکت معارف ولایت، عقیده آنان را استوار می سازد، از عمل هزار عابد بهتر و ارجمندتر است، زیرا وی به روحیه مؤمنان نیرو می بخشد و با نشر کلام عصمت، اندیشه شیعیان را استوار می سازد.^(۲)

در منابع دینی، ارشاد و هدایت بسیار ارجمند شمرده شده و آگاهی بخشی و احیای معنوی انسانها بازنده ساختن آنان، همانند دانسته شده است:

«... و من أحياءها فكأنما أحيى الناس جميعاً»^(۳)

هر کس او را حیات بخشد، گویی همه انسانها را زنده کرده است.

اگر چه مفهوم ظاهری آیه، مرگ و حیات مادی است، اما در روایاتی گوناگون بر این نکته تأکید شده که از مرگ و حیات مادی مهمتر، مرگ و حیات معنوی است؛ یعنی گمراه کردن یا هدایت ساختن، چنان که از امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه پرسیدند: آیا منظور از کشتن یا زنده کردن، نجات از غرق، سوختن و مانند آن است؟

امام علیه السلام نخست سکوت کرد و سپس فرمود:

«... تأويلها الاعظم أن دعاها فاستجاب له»^(۴)

تأویل بزرگتر و مفهوم اعظم آیه این است که دیگری را دعوت به حق یا باطل کند و او دعوتش را بپذیرد.

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۷.

۲. برگرفته از روایت امام صادق علیه السلام؛ رک: مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۶۰.

۳. مانده ۳۲/

۴. حویزی، نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۲۰.

پیامبر ﷺ به معاذ فرمود:

«لأن يهدى الله بك رجلاً واحداً خيراً لك من الدنيا وما فيها»^(۱)

اگر خداوند یک نفر را به وسیله تو هدایت کند، برای تو از دنیا و آنچه در آن است بهتر است.

آنچه یادآور شدیم، نمونه‌ای از ارزش والای تبلیغ دین بود و در این باره دهها آیه، روایت و تأیید و تشویق معصومان علیهم‌السلام نیز هست که مستقیم و غیرمستقیم، بر این مهم تأکید دارند و از فضیلت و دعوت به سوی خدا سخن گفته‌اند که به همین مقدار بسنده کردیم.

تبلیغ، اصولیترین وظیفه حوزویان

جایگاه حوزویان در جامعه و نقش آنان در رابطه با دین، همان جایگاه انبیاست: فهم شایسته و بایسته دین؛

ابلاغ و ارائه درست آن به مقتضای نیاز و شرایط زمان و مکان؛

اجرای احکام الهی و عینیت بخشیدن به آنها؛

و نبرد با دشمنان دین، رویارویی با آفات و بدعت‌هایی که در اندیشه دینی پدید می‌آید و رفع موانع از سر راه حاکمیت و گسترش دین.

بنابراین، از اصولیترین وظایف حوزویان، تبیین درست دین است و از این وظیفه، در منابع، به تعبیرهای گوناگون یاد شده است: تعلیم کتاب و حکمت، ارشاد، موعظه، هدایت، انذار، تبشیر، دعوت الی الله، ابلاغ رسالات الله و... این وظایف همیشه سرلوحه کار انبیا بوده است.

بنابراین، حفظ دین و دفاع همه‌جانبه از کیان اسلام برعهده حوزویان و کارشناسان علوم اسلامی است. در منابع دینی از این وظیفه خطیر به مرزبانی هوشیارانه تعبیر شده است که اینان باید از هجوم و وسوسه‌های شیطانی، فرهنگها و آداب و رسوم ابلیسی

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۸۴.

جلوگیری کنند و مانند سدّی استوار در برابر سیلابهای فساد و تباهی بایستند، چنان که امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید:

«علماء شیعتنا مرابطون فی الثغر الذی یلی ابلیس و عفاریته، یمنعونهم عن الخروج علی ضعفاء شیعتنا، و عن أن يتسلط علیهم ابلیس و شیعته النواصب. ألا فمن انتصب لذلك من شیعتنا کان أفضل ممّن جاهد الرّوم و... الف الف مرّة، لأنّه یدفع عن أديان محبینا، و ذلك یدفع عن أبدانهم.»^(۱)

علمای شیعه ما مرزبانانی هستند در برابر شیطان و دار و دسته پلیدش، که از یورش آنان بر شیعیان مستضعف ما و نیز از سلطه ابلیس و دنباله‌روهای ولایت‌ستیز وی، جلوگیری می‌کنند. آگاه باشید، هرکس از شیعه ما خود را به این مرزبانی برگمارد، مقامش از کسانی که با رومیان جهاد کردند و... هزار هزار بار بالاتر است، بدان جهت که این مرزبان، از دین دوستان ما دفاع می‌کند، در صورتی که آنان از بدن ایشان دفاع می‌کنند.

نیز از آیاتی که وظیفه اصلی حوزویان را روشن می‌سازد، آیه «نفر» است. مفهوم اصلی آیه، آماده شدن گروهی به صورت خیرگان دین برای رفتن به سوی مردم خویش و توجیه مؤثر آنان است.

در اصل، مجوز اساسی برای تأسیس حوزه‌های علمیه و تصرف در وجوهات و هزینه‌های گوناگونی که از بیت المال یا منابع دیگر می‌شود، دلیلهایی مانند آیه نفر است، زیرا از دیرباز این همه تشکیلات حوزوی و صنفی روحانیت برای تحقق همین منظور (تبلیغ دین) پدید آمده و مشروعیت یافته است:

«وماکان المؤمنون لینفروا کافّةً فلولا نفر من کلّ فرقةٍ منهم طائفةً لیتفقها فی الدّین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلّهم یحذرون.»^(۲)

و نتوانند مؤمنان که همگی به سفر روند، چرا از هر گروهی دسته‌ای به سفر نروند تا دانش دین خویش را بیاموزند و چون بازگشتند مردم خود را هشدار دهند، باشد که

۱. محمدرضا حکیمی، محمد حکیمی، علی حکیمی، الحیة، ج ۲، ص ۲۶۰.

۲. توبه/۱۲۲.

از زشتکاری حذر کنند؟

بنابراین، فراگیری علم دین و درآمدن در سلک و صنفی ویژه و بهره‌مندی از امتیازات، مسؤلیت‌زاست، زیرا آن دسته از اهل علم که در تحصیل علوم حوزوی توفیقی داشته و دانش دین اندوخته‌اند، اگر به کار تبلیغ و ترویج دین نپردازند، مصداق کتمان کنندگان دانش هستند که در آخرت سرانجامی چنین دارند:

«من تعلم علماً فکنمه الجمه الله یوم القیامة بلجام من نار.»^(۱)

کسی که دانشی فراگیرد و آن را کتمان کرده، نشر ندهد، خداوند او را در روز رستاخیز، به افساری از آتش لجام خواهد زد.

اگر باشند افرادی که در تحصیل علوم دینی پیشرفتی کارآمد نداشته، ولی باز هم در حوزه به گذران عمر مشغول باشند و از امکانات آن بهره ببرند، عمر خود را تضييع کرده، هزینه‌های ناروا بر سازمان روحانیت تحمیل می‌کنند و سبب کم‌رونقی حوزه می‌شوند. از دیرباز شغل اصلی و رایج حوزه‌های علمی و روحانیان، پس از تحصیل، عزیمت به میان مردم و هجرت به بلاد اسلامی بوده است، تا بدین وسیله در مناطق مورد نیاز به تبلیغ دین بپردازند. این سنت ارزشمند حوزه‌ها سبب می‌شد که همواره شهرها و بخشها از حضور اهل علم بهره‌مند باشند.

بدین سان اشتغالات حوزوی، همانند برپایی مؤسسه تحقیقاتی و یا پرداختن به تحقیقی ساده و پناه بردن به کنج کتابخانه، نباید به جای ترویج دین و تبلیغ شریعت بنشیند. امام خمینی رحمته‌الله علیه سالها پیش، خطر این آفت را هشدار داده و حوزویان را از این رویه ناصواب برحذر داشته بود:

«ممکن است دستهای ناپاکی با سمپاشیها و تبلیغات سوء برنامه‌های اخلاقی و اصلاحی را بی‌اهمیت وانمود کرده، منبر رفتن برای پند و موعظه را با مقام علمی مغایر جلوه دهند و با نسبت دادن «منبری»! به شخصیت‌های بزرگ علمی که در مقام اصلاح و تنظیم حوزه‌ها هستند، آنان را از کار بازدارند، امروز در بعضی حوزه‌ها شاید منبر رفتن

۱. شرح نهج البلاغه ابن میثم، ج ۵، ص ۴۶۷.

و موعظه کردن را ننگ بدانند! غافل از این که حضرت امیر علیه السلام منبری بودند و در منابر، مردم را آگاه، هوشیار و راهنمایی می کردند. سایر ائمه علیهم السلام نیز چنین بودند. شاید عناصر مرموزی این تزییقات سوء را نمودند تا معنویات و اخلاقیات از حوزه ها رخت بریندد و در نتیجه حوزه های ما فاسد و ساقط گردد....

(ولی) بدخواهان می دانند که حوزه ها از پشتیبانی ملتها برخوردار است و تا روزی که ملتها پشتیبان آن باشند کوبیدن و از هم پاشاندن آن ممکن نیست»^(۱)

روزی نزد مرحوم آیه الله العظمی اراکی بودیم، ایشان نقل می کردند که مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری در سرراه خود به قم، توقیفی در اراک داشتند. برخی از اهل علم از کم اقبالی مردم به دین، اظهار دلتنگی کردند و علت را از مرحوم شیخ جویا شدند.

ایشان در پاسخ فرمود: علت این وضع آن است که شایستگان تبلیغ و منبر، تبلیغ و منبر رفتن را دون شأن خود می دانند و آنان که به این وظایف می پردازند، نوعاً شایستگی کاملی ندارند. گناه این کم اقبالی به دین به عهده آن دسته از اهل علم است که شایستگی تبلیغ و ترویج دین را دارند، اما تن به این مسوولیت نمی دهند.

مرحوم آیه الله العظمی اراکی می فرمود: مرحوم حاج شیخ تا زنده بود، همواره منبر می رفت و وظیفه تبلیغ دینی را انجام می داد.

البته مرحوم آیه الله العظمی اراکی نیز تا رمق داشت از تبلیغ دین و برپایی نماز جمعه و ایراد خطبه هایی پر بار (در حدود چهل سال) هرگز سر باز نزد.

